

Analyzing the Resistance Factors in the Arabic Elegies of Martyr Soleimani

Sayyed Mahdi Nouri Keyzghani¹*

Razeyeh Karamad²**

Article Info

Article Type:

Research Article

Keywords:

Martyr Soleimani,
Elegy, Arabic Poetry,
Resistance Literature.

Submitted: 24 December 2023

Revised: 24 January 2024

Accepted: 17 April 2024

Published: 10 September 2024



ABSTRACT

Elegy is a lyrical poem written for a lost loved one; Elegies written about martyrs and fighters for the right path are of double value because the role of fighters in resistance and repelling enemy aggression is very important for countries involved in these issues. The present article analyzes the themes of resistance in the Arabic elegies of Martyr Soleimani in a descriptive and analytical way. After the martyrdom of Sardar Soleimani, many Arabic elegies were written by poets of different countries in his mourning and commemoration. The findings of the research indicate that the Arabic poems written in the mourning and glorification of Sardar Soleimani are full of elements of resistance and mixed with passion and epic. Among the most important of these components, we can mention the love for the heroes of stability, the high status of martyrdom, patriotism, hope for the future, contempt for enemies, and honor and dignity. The poets considered martyr Soleimani as a model of national and religious heroes and praised his high human characteristics and honored his irreplaceable role in the success of the axis of resistance in Iraq and Syria.

Cite This Article: Nouri Keyzghani, S.M., & Karamad, R. (2024). Analyzing the Resistance factors In the Arabic elegies of Martyr Soleimani. *Journal of Haj Qassem Soleimani School*, 1(1), 69-78 [In Persian].

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman.

DOI: [10.22103/mhq.2024.22716.1008](https://doi.org/10.22103/mhq.2024.22716.1008)

©The Author(s)

* **Corresponding Author**, Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. **Email:** sm.nori@hsu.ac.ir

** Ph.D. in of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. **Email:** razieh.k81@gmail.com

واکاوی درون‌مایه‌های مقاومت در مرثیه‌های عربی شهید سلیمانی

سیدمهدی نوری کیدقانی*^{ID}

راضیه کارآمد**^{ID}

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>کلیدواژه‌ها: سردار سلیمانی، مرثیه، شعر عربی، ادبیات مقاومت.</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱/۲۹ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۶/۲۰</p> 	<p>مرثیه شعری غنایی است که برای عزیزی از دست رفته سروده می‌شود؛ مرثیه‌هایی که در مورد شهیدان و مبارزان راه حق سروده شده باشد از ارزش دوچندانی برخوردار است چرا که نقش رزمندگان در مقاومت، و دفع تجاوز دشمنان برای کشورهای درگیر با این مسائل، بسیار مهم است. مقاله حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی به واکاوی بن‌مایه‌ای مقاومت در مرثیه‌های عربی شهید سلیمانی می‌پردازد. پس از شهادت سردار سلیمانی مرثیه‌های عربی فراوانی توسط شاعران کشورهای مختلف در سوگ و بزرگداشت ایشان سروده شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اشعار عربی سروده شده در رثا و تجلیل سردار سلیمانی سرشار از مؤلفه‌های مقاومت و آمیخته با شور و حماسه است. از مهمترین این مؤلفه‌ها می‌توان به عشق به قهرمانان پایداری، مقام والای شهادت، وطن دوستی، امید به آینده، تحقیر دشمنان و عزت و کرامت اشاره کرد. شاعران شهید سلیمانی را الگوی قهرمانان ملی و دینی دانسته و ویژگی‌ها و خصایل والای انسانی او را ستوده‌اند و نقش بی‌بدیل ایشان را در توفیق محور مقاومت ارج نهاده‌اند.</p>
<p>استناد: نوری کیدقانی، سید مهدی و کارآمد، راضیه (۱۴۰۳). واکاوی درون‌مایه‌های مقاومت در مرثیه‌های عربی شهید سلیمانی. مجله مکتب درس آموز حاج قاسم سلیمانی، ۱(۱)، ۶۹-۷۸</p> <p>ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان</p>	
DOI: 10.22103/mhq.2024.22716.1008	©The Author(s)

* نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: sm.nori@hsu.ac.ir

** دکترای گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: razieh.k81@gmail.com

مقدمه

رزمندگان در پیشبرد و ادراه جنگ سهم عظیمی دارند. آن‌ها کسانی هستند که با شجاعت، قدم در راه آزادی و ظلم‌ستیزی می‌نهند و همیشه، دفع ظلم و دلت، مورد تأیید همه ادیان و آزادی‌خواهان جهان بوده است. قطعاً پیروان همه ادیان، ظلم‌ستیزان و مجاهدان در راه حق را می‌ستایند ولی در بین آن‌ها از آنجا که شاعران و نویسندگان، قلم و بیان شیواتر و زیباتری در این مدح و ستایش دارند آثار آنها در این زمینه بیشتر مورد توجه است. البته در ادبیات، ستایش از همت، تلاش و جان‌فشانی‌های مجاهدان در راه خدا و سرزمین، همیشه وجود داشته و دارد. بنابراین در این ظلم‌ستیزی و دفاع از وطن، مبارزان و ادبا نقشی بارز دارند؛ شاید بتوان گفت که «نقش ادیبان و شاعران در تغییر اوضاع سرزمین‌شان به‌ویژه سرزمین‌های تحت سلطه بسیار برجسته‌تر از انقلابیون مبارز است؛ زیرا مبارزان در صحنه کارزار با رسیدن به پیروزی، مسؤلیت خطیر مقاومت از روی دوششان برداشته خواهد شد، اما این ادیبان هستند که باید پیروزی‌های به‌دست‌آمده را بعد از جنگ نیز حفظ کنند و به نسل‌های آینده انتقال دهند» (روان‌شاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۸).

در همه کشورها، مبارزان و شاعران در کنار هم، هر کدام نقش خویش را ایفا می‌کنند. در ایران، «شعرا در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که به عنوان مهم‌ترین مبلغان فرهنگی و راوی شکست‌ها و پیروزی‌ها بودند، به شعرشان رنگ و بوی خاص دادند؛ یعنی شعر اینان، آینه تمام‌نمایی برای تشویق و تهییج مخاطبان و دفاع از حریم وطن و مقاومت در برابر جور و ستم متجاوز شد» (محمدیان و رجبی، ۱۳۹۵: ۱۹۷). باید اذعان داشت که در همه کشورها همه مبارزان قابل ستایش هستند؛ اما گاهی در میان مبارزان، افراد شاخص و بزرگی هستند که در به ثمر رسیدن نتیجه مبارزه نقش مهم و راهبردی دارند. در واقع «بزرگان هر ملت نمودار عظمت و بزرگی آن ملت هستند. گاه یک چهره برجسته و یک شخصیت مؤثر می‌تواند در حوادث بزرگ و تعیین‌کننده، شاهین ترازوی سرنوشت را به سمت بهروزی و پیروزی مردم کشور خود متمایل سازد و حافظ نجابت، آبرومندی و سرفرازی آنان در عرصه‌های جهانی و عصرهای تاریخی باشد. هنرمند و شاعر برخوردار از معرفت اجتماعی بر خود لازم می‌داند که این آزادگان بزرگ ملی و مذهبی را در سروده‌های خود بنوازد و در شناساندن مناسب آنان به مردم روزگار خود از ظرفیت‌های هنری به درستی بهره‌گیری» (خادمی کولایی، ۱۳۸۵: ۱۲۳) اگر سرنوشت این مبارزان به شهادت ختم شود این مبارزان، بیشتر مطرح می‌شوند. نویسندگان، ادبا و شعرا آثاری در مورد این افراد از خود برجای می‌گذارند چرا که انسان برخی افراد را پس از مرگ و شهادت آن‌ها بیشتر یاد می‌کند و یا مرگ و شهادت برخی افراد شاخص به گونه‌ای است که در روح، عاطفه و قلم ادبا جوش و خروش ایجاد می‌کند. از این رو آثاری که پس از درگذشت این افراد مبارز در مورد آنها به‌وجود می‌آید در خور بررسی و مطالعه است.

پژوهش حاضر به واکاوی بن‌مایه‌های مقاومت در برخی مرثیه‌هایی که به زبان عربی در مورد سردار سلیمانی سروده شده است می‌پردازد. چرا که «پس از شهادت جانسوز حاج قاسم، افزون بر انبوه اشعار فارسی، قصاید عربی فراوانی توسط شاعران مختلف در ایران، سوریه، عراق، یمن و... در رثای ایشان و تجلیل از شخصیتش سروده شد که نشان از جایگاه ارزشمند و محبوبی در فراسوی مرزهای ایران دارد» (نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۶).

بیان مسئله

شعر، شور و شعور است. شاعر آگاه و فرهیخته، در شعر خود مردم را آگاه و بیدار می‌کند. کشورهایی که با مسائلی چون جنگ، تجاوز، انقلاب و سایر رویدادها مشابه آن درگیر هستند رسالت شاعر سنگین‌تر و مهم‌تر است. یکی از قالب‌های شعری که شعرا با آن مضامین و معنای مورد نظر خود را در آن می‌ریزند مرثیه است. مرثیه برای شهدا و رزمندگان در سرزمین‌های جنگ‌زده و مقاوم در خور توجه و پژوهش است. مقاومت، برآیند انباشت عقده‌ها و عقیده‌های به ناحق سرکوب شده تاریخی یک ملت بیدار است. ملت بیداری که باطل و تجاوز را برنمی‌تابد و با مقاومت، انقلاب و یا هر عملی که قابل انجام باشد وطن خویش را پاسداری می‌کند. البته «اتفاقات بزرگ و ارزشمند در تاریخ هر ملت، حاصل تلاش بی‌وقفه و از خودگذشتگی انسان‌های بزرگ است؛ به همین سبب، بخشی از ادبیات ملت‌ها به ستایش این افراد و بزرگداشت آنها اختصاص می‌یابد. این ویژگی در ادبیات به طرز نمایانی شکوهمند است؛ زیرا مخاطب را به بزرگی و عزت‌مندی فرا می‌خواند و همگان را به الگوگیری از آنان دعوت می‌کند» (مسبوق و اسدی، ۱۳۹۵: ۲۴۵). این ستایش‌ها گاهی در قالب مرثیه و سوگ سروده‌ها خود را

نمایان می‌سازد. سردار سلیمانی، یکی از افراد شاخص، مقاوم و مبارز نستوهی بود که به شهادت رسید و عشق و علاقه مردم ایران و حتی جهان به ایشان غیرقابل انکار است. پرداختن به شعرهایی که پس از شهادت ایشان در مورد او سروده شده قابل تأمل و در خور مطالعه است. بنابراین این نوشتار در پی آن است که بدانند در مرثیه‌های سروده شده به عربی در مورد ایشان بیشتر کدام بن‌مایه‌های مقاومت بیشتر مطرح شده است؟

پیشینه پژوهش

در مورد سیمای سردار سلیمانی در شعر عربی پژوهش‌هایی انجام شده که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:
- سلیمان السماء، (الشهید الحاج قاسم سلیمانی فی رحاب الأدب العربی)، موسی عربی، شیراز، انتشارات صریر، ۱۳۹۸ ش.
- سرو ماندگار، شهید قاسم سلیمانی در شعر معاصر عربی، عزت ملأ ابراهیمی، پرستو قیاسوند، معصومه تقی‌زاده، تهران: انتشارات توانا گستر، ۱۴۰۰ ش.

- سردار سلیمانی در شعر معاصر عربی، سید مهدی نوری کیدقانی و راضیه کارآمد، سبزواری: انتشارات خمسه النجباء، ۱۴۰۰.
تفاوت کار حاضر با موارد مذکور در بالا این است که موارد بالا تنها گردآوری اشعار است و در آنها به بررسی بن‌مایه‌های پایداری در سرودها پرداخته نشده است.

- سیمای شهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در شعر پایداری، (مطالعه موردی شعر علی داووی و حمید حلمی)، فرشته ملکی گونی، محمد نبی احمدی و توج زینی وند، کاوش نامه ادبیات تطبیقی، بهار ۱۴۰۱.
تفاوت پژوهش ما با این کار در این است که مقاله مذکور تنها بر روی یک شاعر عربی و فارسی است اما کار ما در مقیاسی گسترده‌تر و بر روی شاعران متعددی انجام شده است، افزون بر این که شیوه پرداختن به مضامین هم متفاوت است.

بحث و بررسی

مرثیه‌های زیادی توسط شاعران عرب برای شهید سردار سلیمانی سروده شده‌است که هر کدام ابعاد مختلفی از شخصیت ایشان را مطرح کرده‌اند. هر شاعری با توجه به دیدگان و ذوق ادبی خود احساس اندوه خود را از این حادثه بیان کرده‌است. در این قسمت ابتدا گزارشی کوتاه از زندگی ایشان ارائه و در مورد مرثیه توضیحی بیان می‌شود سپس برخی مضامین پایداری که در این مرثیه‌ها وجود دارد مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

مروری کوتاه بر زندگی سردار سلیمانی

سرلشگر شهید قاسم سلیمانی در سال ۱۳۳۵ در روستای کوهستانی و دورافتاده قنات ملک در شهرستان رابر استان کرمان به دنیا آمد. وی در ۱۲ سالگی، پس از پایان تحصیلات دوره ابتدایی، زادگاه خود را ترک کرد و مشغول به کار بنایی در کرمان شد و چندی بعد نیز به عنوان پیمانکار در سازمان آب مشغول به کار شد و در همان سال‌ها نیز فعالیت‌های انقلابی خود را آغاز کرد. وی، پس از پیروزی انقلاب، به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. ایشان در طول دوران دفاع مقدس، با لشکر تحت امر خود در عملیات‌های زیادی حضور مؤثر داشت. سرانجام در ۱۳ دی ۱۳۹۸، ارتش ایالات متحده وی را به دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور، در عملیات آذرخش کبود هنگام خروج از فرودگاه بین‌المللی بغداد برای انجام دیدارهای رسمی با مقامات عراقی ترور کرد (عرفانی‌فر، ۱۳۹۹: ۶۸-۶۶). شهید سلیمانی یک انسان ویژه در جمهوری اسلامی بود. خبر شهادت او همچون زلزله‌ای بود که ایران و جهان را لرزاند. هرگاه در مورد محبوب‌ترین چهره‌های ایران نظر سنجی صورت می‌گرفت نام قاسم سلیمانی بین دو یا سه نفر اول بود. این محبوبیت برای یک نظامی کمی عجیب به نظر می‌رسد (کاوه، ۱۳۹۸: ۱۵). نقش بی‌بدیل سردار سلیمانی در مدیریت منطقه و مقابله با دشمنان سبب شد تا آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها القابی چون «شیخ فرمانده» و «قدرتمندترین فرد خاور میانه» و «کابوس اسرائیل» را برای ایشان به کار ببرند (کریمی، ۱۳۹۹: ۱۵).

«مرثیه» در لغت به معنای «گریستن بر مرده» (ابن منظور، دت: ج ۱۴، ذیل ماده رثی) و ذکر محامد وی و نوحه سرایی و تأسف از درگذشت او است و مرثیه، ساختن شعری در رثای کسی است که جهان را بدرود گفته و به دیار باقی شتافته‌است. در اصطلاح ادب،

«رثا» یا «مرثیه» بر شعری اطلاق می‌شود که در ماتم گذشتگان و تعزیت یاران و بازماندگان و اظهار تأسف بر مرگ پادشاهان و بزرگان و ذکر مصائب بزرگان دین و ائمه اطهار (ع)، به ویژه حضرت سید الشهداء (ع) و دیگر شهدای کربلا و ذکر مناقب و مکارم و تجلیل از مقام و منزلت شخص متوفا و بزرگ نشان دادن واقعه و تعظیم مصیبت و دعوت ماتم‌زدگان به صبر و سکون و معانی دیگری از این قبیل سروده شده‌است. مرثیه، از نظر ماهیت، جزو ادب غنایی است؛ زیرا شاعر در آن، احساسات و عواطف خود را بیان می‌کند (محسنی‌نیا و پور یزدان‌پناه کرمانی، ۱۳۸۸: ۱۷۶-۱۷۸).

قهرمانی محبوب

احساس عشق و علاقه شاعران به قهرمانان ملی و دینی فراوان در سروده‌های معاصر فارسی و عربی بازتاب یافته است. این احساس در شعر غنایی از جمله مرثیه، جلوه خاصی دارد چرا که ازدست دادن دلاورمردان محبوب، این احساس عشق و هیجان را بیشتر می‌کند. در مورد سردار شهید هم شعرا، در مرثیه‌های خویش فراوان از عشق و علاقه خود به ایشان سخن گفته‌اند. شاعر عراقی «المنذری» در مرثیه خویش برای سردار، نبود او را باور ندارد، وی شهید سلیمانی را طائر ملکوت و فرمانده‌ای آزاد و شریف و پاک می‌داند؛ آری به راستی چگونه می‌توان مرگ چنین انسانی را باور کرد:

بالله قولوا کیف یبغی طائر
بالله قولوا کیف یبغی قائد
الملکوت و هو إلى السماء یسافر
حر شریف مشهدی طاهر

(نوری کیزقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۲۳)

خانم «ازدهار نمر رسلان» از سوریه، با وجود شهادت سردار، ایشان را هنوز پیشوا قهرمان جهاد در سرزمین خویش می‌بیند و بزرگواری چون او را نامیرا می‌داند:

تبقى إماماً للجهاد بدارنا
من قال تفنی أوتموت مکارم!

(نوری کیزقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۲۱)

عشق و علاقه شاعر به سردار باعث شده برخی ایشان را همچون حضرت سلیمان (ره) خطاب کنند. در نگاه «محمد خاقانی» عشق و علاقه به سردار شهید آن قدر زیاد است که فقدانش، دل را می‌سوزاند و چشم را به آتش می‌کشد و از شدت و زیادی گریه، چشم به رنگ قرمز و آتش متمایل می‌شود. شهادت سردار از دیدگان اشک و سپس خون را جاری می‌کند:

«سلیمان القلوب علا
و کاد القلب یحرقنی
و فاق من السلیمان
و یلقى النارَ إنسانی
فسال الدمع ثم دم
یروینی فأطفانی

(نوری کیزقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۶)

ترجمه: سلیمان دلها به ملکوت اعلا پیوست و از سلیمان فراتر رفت. چیزی نمانده دل، مرا بسوزاند و آتش در مردمک چشمم بیفکند. اشک و سپس خون جاری شد مرا سیراب و بعد خاموش کرد.

از نظر شاعر عراقی «حمید حلمی البغدادی» عشق سردار افراد مقاوم و باصلابت را به گریه انداخته‌است؛ چرا که عزیزی درخشان و پراز نور هدایت از دست رفته‌است:

وبکتک أفتدُّ الجبالَ لأنها
فقدت عزیزاً کاملَ الأنوارِ

(نوری کیزقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۷)

ترجمه: دل کوه‌ها برای تو گریست چرا که عزیزی پر نور و کامل را از دست داد. در چکامه شاعر یمنی «معاذ الجنید» عشق و علاقه به شهید باعث می‌شود شاعر خاطره‌بازی کند و از نصرت، قدرت و دشمن ستیزی شهید دم بزند:

فی حرب تموز نصرأ فی دمشق یداً
قد طهرت سوريا من کل شیطان
(نوری کیزقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۷)

مقام شهادت

تجلیل و ستایش مبارزان میدان‌های جنگ و شهیدان یکی از موضوعات عمده شعر مقاومت است، خاصه که در آیین و فرهنگ ما مجاهد و شهید مقام و منزلت ویژه‌ای نزد خدا دارد. شهادت در اسلام ارزش والا و بسیار ستودنی است. در قرآن کریم آیات متعددی در بزرگداشت مقام شهدا و شهادت آمده است (نک: سوره نساء آیه ۹۵؛ فتح آیه ۱۶؛ حدید آیه ۱۰؛ آل عمران آیه ۱۴۸ و ۱۷۲) پیامبر خدا در صدر اسلام آن قدر از فضیلت شهادت سخن گفته بود که تمام مسلمانان، خداجو، عاشق شهادت شده بودند. این شیوه تربیتی پیامبر (ص) سبب شد عرب‌های جاهلی که به زن و شهوت و اسب می‌نازیدند، به مسلمانانی فداکار و شهادت‌طلب تبدیل شوند. در دوه کنونی نیز شاعرانی که در کشورشان جنگ و تجاوز را شاهد بوده‌اند، موضوع شهادت را ارجمند تلقی کرده و آن را یک ارزش برتر معرفی و گاه خودشان نیز آرزوی شهادت نموده‌اند؛ توصیف شهادت و ارج نهادن به مقام شهدا موضوعی است که در اشعار بیشتر این شعرا وجود دارد و این، فقط یک توصیف و احترام ظاهری نیست بلکه برخی از این شعرا خود، آرزوی شهادت در سر می‌پرورانده و در صحنه مبارزه حضور فیزیکی داشته‌اند و حتی برخی از آنها هم به مقام شهادت نائل شده‌اند. در ایران اسلامی، تمنای شهادت، قداست دارد و با آموزه‌های اسلامی درهم تنیده شده‌است؛ تمنای شهادت و آرزوی شاعر به منظور کسب مقام شهید باعث شده که ادبیات و شعر اسلامی ایران، رنگ و صبغه متفاوتی داشته‌باشد. تمنای شهادت، به واقعه عاشورا و شهادت مظلوانه امام حسین (ع) و یارانش منتهی می‌شود. «فلسفه شهادت طلبانه امام حسین (ع) در انتخاب این راه، مبانی تعالیم دینی و اخلاقی شیعیان است. مرگ آگاهی معصومین به ویژه امام علی (ع) و امام حسین (ع) طبق روایات فراوان در فرهنگ شیعه به عنوان اصل «تمنای شهادت» پذیرفته شده‌است و این ویژگی اخلاقی حاصل تعالیم مکتب تشیع است.» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۲۲) در سوگ سروده‌هایی که برای سردار سروده شده‌است شعرا، به حس شهادت‌طلبی سردار سلیمانی اشاره کرده‌اند و در ضمن آن به شجاعت شهید و زبونی دشمن نیز اشاره کرده‌اند. شاعر سوری استاد «منیف احمد حمیدوش» حاجقاسم را «شهید حق» خطاب می‌کند که از محراب عبادت به فیض شهادت رسید و دل‌های عارفان به او اقتدا می‌کنند:

شهید الحق قاسمنا سلام ففی محرابک اغتیل السلام
و لا تبکوا علی رجل شهید قلوب العارفین به امام

(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۲۵)

شاعر یمنی «معاذ الجنید» در مرثیه‌ای که برای شهید می‌سراید خطاب به ایشان می‌گوید در راه حق طلبی از هیچ اهریمن و دشمنی هراس به خود راه ندادی و همچون تشنه‌ای که مشتاق آب است تشنه شهادت در راه حق بودی.

أرکت طاغوت آمریکا و أنت إلی نبل الشهادة سعی ظمئان

(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۴)

ترجمه: امریکای شیطان صفت را به رکوع و تسلیم واداشتی و تو به نائل شدن برای شهادت چون یک تشنه‌کام برای رسیدن به آب عجله داشتی.

از نظر شاعر دیگر «علی السالمی»، ایشان، فقط شیفته و شیدای شهادت بود تا اینکه به آن دست یافت:

«و ما کان إلا للشهادة والها إلی أن حواها و استطار حُبورا»

(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۴)

ترجمه: او فقط واله و شیدای شهادت بود تا اینکه به آن دست یافت و شادمان به سوی آن پر کشید.

البته آرزوی یک مبارز فقط جان دادن نیست بلکه چگونگی و کیفیت آن نیز مهم است. بر همین اساس است که شاعر عراقی می‌گوید مبارزه با متجاوزان و سلطه افراد بد، مرگی را به انسان می‌بخشد که شهادتی مایه افتخار را رقم می‌زند. سردار شهید هم مبارز خستگی‌ناپذیری بود که در راه مبارزه با افراد متجاوز و سلطه‌طلب شهادتی افتخارآمیز نصیبش شد.

فخر الشهادة أن تموت مکافأ بید العتاة و سلطه الفجار

(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۹)

ترجمه: افتخار شهادت این است که مبارز و نستوه به دست متجاوزان بدکار بمیری.

وطن دوستی

وطن‌داری و وطن‌دوستی مطلوب و امری طبیعی است، زیرا موطن هر کس برایش عزیز است و اگر کسی از آن درگذرد و خانه را به بیگانگان واگذارد، زیانمند و غمگین خواهد شد. زادگاه و وطن، بستری است که عشق‌آفرین است و هر انسانی خاطرات کودکی، عشق‌های جوانی و آرامش کهنسالی خویش را در آن تصویر می‌کند. «وطن‌دوستی، نمود وابستگی انسان به زادگاه خویش است که این پدیده، بدون علت و سبب در احساس و عواطف انسان جای نمی‌گیرد؛ بلکه مجموعه ارزش‌هایی است که به هم پیوسته‌اند و نهال وطن‌دوستی را در شعر شاعر غرس می‌کنند.» (محموظ، ۲۰۰۳: ۲۱) این حس، غریزه‌ای فطری است که ریشه‌ها، منافع و کارکردهای گوناگونی دارد و همه افراد در کشورهای مختلف، از آن برخوردارند. در میان افراد مختلف «شاعران هر کشور معمولاً با سلاح ادبیات به دفاع از تاریخ و فرهنگ خود پرداخته و با این کار موجبات همبستگی و پیوستگی قومی را در کشور خود فراهم آورده‌اند.» (بیگزاده و الماسی، ۱۳۹۵: ۱۱۰) این ادبیات مقاومت و سرزمین‌های درگیر جنگ، جلوه و نمود بیشتری دارد؛ در ادبیات مقاومت «سرزمین و عشق به آن، یکی از ویژگی‌های بارز شعر مقاومت به خصوص در کشورهای تحت اشغال، به‌شمار می‌آید و شاعران عرصه پایداری با به خدمت گرفتن شعر خود به عنوان سلاحی کارآمد، به دفاع از سرزمین مادری خود می‌پردازند.» (روان‌شاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۲) سردار شهید در دفاع از کشورهایی که تحت اشغال و درگیر جنگ بودند اهتمام زیادی داشت. شاعران به حس وطن‌دوستی ایشان در مرثیه‌های خود اشاره کرده‌اند. البته وطن وی فراتر از مرزهای زمینی بود و شامل بیشتر کشورهای اسلامی که تجاوز، مقاومت و مبارزه در آنها حاکم بود را شامل می‌شد.

«معاذ الجنید» به وطن‌دوستی و آزادی‌طلبی سردار اشاره می‌کند و بر آن است که نه تنها در آزادی وطن خود که در آزادسازی سایر سرزمین‌ها نیز سهیم بود:

«قد يُسْهِمُ المرءُ فی تحریرِ موطنِهِ و أنت أسهمت فی تحریرِ أوطانِ
(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۴)

ترجمه: گاه انسان تنها در آزادی وطن خویش مشارکت می‌کند اما تو در آزادبخشی به چندین وطن مشارکت داشتی. شاعری دیگر در مرثیه خود اشاره می‌کند که او تاب تحمل خواری و زبونی هیچ سرزمینی را ندارد و با عزت و آزادی به آن چهره جدیدی می‌بخشد. از نظر شاعر او یک تنه در برابر حفظ عرض و آبروی کشور می‌ایستد و عشق و علاقه‌اش به وطن باعث می‌شود وطن را در برابر بی‌حرمتی حفظ کند.

و زاح عن الأوطانِ و صمّةَ ذلّةٍ و أولى لها بالنصرِ وجهاً نصيراً
تحملَ أعباءِ السّواترِ ظهراً لیستَرِ أعراضَ البلادِ ظهیراً
(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۱)

ترجمه: از وطن‌ها لکه ذلت را زدود و با نصرت و پیروزی چهره تازه‌ای به آن عطا کرد. پشتش بارهای سنگین را تحمل کرد تا حریم کشور را به عنوان یک پشت و پناه حفظ کند. در باور شاعر عراقی، سردار سلیمانی به همه اجزای وطن و سرزمین عشق می‌ورزد و گلها و شکوفه‌هایش را دوست می‌دارد.

«و هو الذی عشقَ الدیابَرِ جمیعها و أحبّها مفتوحةً الأزهارِ»
(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۷)

ترجمه: او کسی است که به همه سرزمین عشق می‌ورزید و آنها را شاداب و با گل‌های شکوفا دوست داشت.

امید به آینده

امید به آینده و انتظار فردایی بهتر از مضامینی است که از نخستین پگاه وجود در نهاد بشر بوده است. در منظومه دینی این اندیشه در مفهوم انتظار منجی تجلی می‌یابد به گونه‌ای که از زبان پیامبر اسلام (ص) انتظار فرج و گشایش از بهترین اعمال شمرده می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۸). از دیگر سو یکی از مضامین رایج ادبیات پایداری همین امید به شکل‌گیری فردایی بهتر است که بر شور و مقاومت رزمندگان می‌افزید. شاعری که به رسالتش به خوبی آگاهی دارد می‌داند که «یکی از وظایف هنرمند و شاعر متعهد در برهه‌های سخت تاریخ

یک ملت، دمیدن روح نشاط و مبارزه با ناامیدی و ترسیم آینده‌ای روشن و سرشار از موفقیت است» (محمدیان، رجبی، ۱۳۹۵: ۲۰۵). این عمل هنرمند و شاعر، بسیار مفید و ستودنی است چرا که هر کشوری برای پیشبرد اهداف خود و رسیدن و پیمودن پله‌های ترقی به امید و آرزو نیاز دارد اما «در زمان جنگ که سختی و بحران فراگیرتر است، امید به آینده می‌تواند به عنوان شاه کلید رسیدن به پیروزی باشد. در این میان، این شاعر است که با سرودن اشعار حماسی و با تصویرگری فردایی روشن، آرامش، صلح و آبادی، باید امید را در دل مردم و مبارزان زنده نگه دارد تا آنجا که مردم به امید رسیدن به فردایی بهتر و رسیدن به پیروزی مبارزه کنند و یا حتی از جان خویش نیز بگذرند تا آینده‌ای بهتر را رقم زنند» (توکلی محمدی و جعفری پنجی، ۱۳۹۵: ۶۵). نبوغ و برجستگی شاعر به این است که مرگ و شهادت را هم درون مایه‌ای برای دمیدن روح امید در شعرش قرار دهد. برخی شعرا شهادت سردار را سرآغاز و نقطه تالاول امید و خوشی و فرجام و انتهای دشمنی و طغیان می‌دانند؛

شاعر یمنی برآن است که خدای رحمان، سردار را خاتمه شادی امریکا و اندوه‌های وی می‌خواهد. در واقع ایشان را پایان بخش اندوه‌هایش می‌داند و بر آن است شادی و خوشی امریکا به اتمام می‌رسد. شاعر در شعر خود ابراز می‌دارد که خداوند اگر بخواهد دولتی که ستم کرده‌است رابه انتها می‌رساند یا اگر اراده کند که قومی را پس از عصیان و سرکشی به هلاکت برساند آن را محقق می‌کند حال یا با عذاب‌هایی چون تندباد و صاعقه و یا شخصیت‌هایی چون شهید سلیمانی!

لقد أرادهما الرحمنُ خاتمةً	لکلِّ أفرحِ أمريكا و أجزائی
فإنه إن شاء يُنهي دولةً ظلمت	أو شاء إهلاك قوم بعد طغیان
أنى بريح عقيم أو براجفة	أو صيحة أو عذاب أو سلیمانی

(نوری کیزقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۴)

در سوگ‌سروده‌ای دیگر شاعر سوگند یاد می‌کند که قدس را از لوث وجود دشمن تطهیر خواهیم کرد. در واقع شاعر، به مخاطبان امید می‌دهد که هر چه مبارزان و سلحشوران را بکشند باز هم از قدرت و نفوذ ما کم نخواهد شد و می‌توانیم آرزوهایمان را جامه عمل بپوشانیم.

«أقول و أشهد الدنيا	و أقسم محض إیمانی
نظهر قدسنا من لو	ث هذا المجرم الجانی»

(نوری کیزقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۹)

ترجمه: می‌گویم و دنیا را گواه می‌گیرم و با ایمانی خالص سوگند می‌خورم قدسمان را از لوث وجود این جنایتکار قاتل پاک می‌کنیم. شاعر عراقی «سید ضیاء الحبش» در مرثیه خویش از به ثمر نشستن خون‌ها و رسیدن فرجی بزرگ خبر می‌دهد؛ او شهادت سردار را پایان کار نمی‌بیند و چنین مرگی را عادت اهل خیر می‌داند:

هذى الدماء ستورق / فجرا و عطرًا و ارتقاء بشرق / و سیزهر الفرج العظيم ... / من قال إن القتل محض نهاية / القتل عادة أهلنا و نعم أجر الصابرين. (نوری کیزقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۳۰ و ۳۱)

شاعر ایرانی «رسول خمر» شهادت سردار را نوید سپیده‌دم و طلوع می‌داند تا تاریکی سهمناک از سرزمین مجروح رخت بریندد؛ یا قائد الدماء و الدموع / یا صائحا بالصبح و الطلوع / انكشف الظلمة الرهيب / من أرضنا الجريح (نوری کیزقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۳۵)

تحقیر دشمن

شاعرانی که جنگ، شهادت هموعان، تجاوز و قساوت دشمن را در سرزمین خویش شاهد بوده‌اند نفرت از دشمن را در دل خود پروراندند و این نفرت به ترس و هراس نمی‌انجامد بلکه امید به پیروزی و حس انتقام، آن‌ها را برآن می‌دارد که دشمن را ضعیف و زبون و خود را قوی و سربلند ترسیم کنند. این شاعران، در شعر خویش، علاوه بر توصیف جنایت‌های دشمن، به تحقیر و تهدید آنها نیز پرداخته‌اند؛ چرا که «سنت رجزخوانی در جنگ، که در ادبیات گذشته ریشه دارد، در ادبیات پایداری فراوان است. رسم رجزخوانی، تحقیر دشمن و تکریم خود برای ایجاد نوعی هراس در دشمن بود» (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۱). در چنین ادبیاتی، تحقیر، حتی تمسخر و استهزای دشمن، در کنار برکشیدن و تعظیم خویش، بخشی از حماسی‌ترین و باشکوه‌ترین آثار را تشکیل می‌دهد. شاعرانی که در مورد سردار مرثیه گفته‌اند در کنار تعظیم و تکریم شهید، از حقارت، ذلت و استیصال دشمن هم ابیاتی سروده‌اند و حتی دشمن را تهدید و تحقیر هم کرده‌اند.

در یکی از اشعاری که در مورد سردار سروده شده است کینه و دشمنی امریکا به ذره‌ای شن تشبیه شده است. در واقع شاعر، در ضمن مرثیه برای سردار، اعلام می‌کند زمامداران امریکا و قدرتشان حتی به اندازه یک ذره شن اهمیت و قدرت ندارند.

«فما قیاداتُ امریکا بئارهما
إلا كذرةٌ رملٍ عند عطانٍ»
(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۳)

شاعری دیگر ضمن ستایش سردار به هراس دشمنان اشاره می‌کند:

«أصابَ مِنَ الأعداءِ قلباً مُرَوَّعاً
بخزرتِه ألقى عليه ثُورا»
(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۲)

«حمید حلمی بغدادی» در مرثیه‌ای که برای سردار سروده است با کاربرد فعل امر و تهدید به گرفتن انتقام، دشمنان و افراد خبیث را تحقیر و تهدید کرده است؛ شاعر با فعل امر (لیعلم) ضمن تحقیر افراد شرور و دشمن به آنها اعلام می‌کند که شهادت و فقدان ایشان آخر راه نیست بلکه به زودی انتقامش ستانده خواهد شد. در واقع با تهدید دشمن آنها را تحقیر هم می‌کند.

هی أفعی بألف جلدٍ و لون
قبح الله هذه إمریکا
و أخیرا تقمصا داعشیا
والذی فی ظلالها یتفیا
(مجله الثقافة الإسلامية، ۲۰۲۰: ۱۵۵)

و لیعلم الأشرارُ أنّک حتفُهُم
عما قریبٍ أخذاً بالثار
(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۹)

ترجمه: افراد شرور باید بدانند که تو باعث مرگ و نابودیشان هستی و به زودی انتقام می‌گیری. در شعری دیگر، «معاذ الجنید» خود و در واقع ملتش را متولی مرگ و نیستی امریکا می‌داند و بر آن است مردمش همواره با امریکا در نبرد و ستیز است و در سایه دشمنی‌اش همیشه خواهند ماند.

ونحنُ أولى بأمریکا و مهلكها
و شعبنا لم یزل فی ظلّ عدوان
(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۵)

ترجمه: و ما عهده‌دار امریکا و مرگش هستیم و ملت ما همواره در سایه دشمنی و ستیز است. «محمود حبیب» با اشاره به ماجرای شهادت سردار و ابومهدی در فرودگاه بغداد، امریکا را افعی هزار رنگ و چهره می‌داند که این بار در عراق در هیئت داعش ظاهر شده است؛ شاعر با تحقیر امریکای جنایت پیشه نفرین خود را چنین نثار این دشمن اهریمنی می‌کند:

عزت

مفهوم عزت و عزت‌مندی بازتاب عظیمی در سروده‌های پایداری معاصر پارسی و عربی دارد. یکی از اوصاف مجاهدان راه خدا عزت است که خداوند در قرآن کریم آن را مخصوص خود و مؤمنین می‌داند: «ولله العزة ولرسوله وللمؤمنین ولكن المنافقین لا یعلمون» (منافقون: ۸). اصل عزت از مهم‌ترین اصول سیره نبوی و از بنیادی‌ترین امور دین است. ریشه همه تنبهاگری‌ها در ذلت نفساست و از این رو بهترین راه اصلاح فرد و جامعه عزت بخشی و عزت‌آفرینی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵ ش: ۱۹۱).

در سوگ سروده‌های سردار سلیمانی هم شاعران فراوان به این مفهوم اشاره کرده‌اند و سردار بزرگوار را به آن ستوده‌اند. سردار شهید هم خود عزت داشت و هم برای ملتی عزت آفرید. «علی السالمی» در فرازی از چکامه خود بیان می‌دارد که شهید سلیمانی به ما یاد داد که چگونه به عزت برسیم و چگونه در راه عزت خون شهید تبدیل به قلعه و دژی محکم می‌شود که از مردم پاسداری می‌کند:

و علمتنا کیف الخلودُ منالُهُ
و کیف الدّما للعزّ تصنعُ سوراً
(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۲)

شاعر عراقی «حلمی البغدادی» خطاب به شهید سلیمانی اشاره می‌کند که تو هرگز نمرده‌ای بلکه بیرق عزت هستی و کوهی از شجاعت و از خودگذشتگی می‌باشی:

لا لم تَمُتْ فَلانْتَ رایهٌ عزّة
جبلٌ من الإقدام والإیثار

(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۱۹)

دیگر شاعر عراقی «سید ضیاء الحبش» با اشاره به شهادت سردار عزیز، می‌گوید چنین خون‌هایی به ما عزت می‌بخشد تا همگی به پا خیزیم:

فدم الشهيد وقودنا و يقودنا/ نحو الكرامة و الشمم/ هذى الدماء تُعزنا و تهزنا/ كيما نثور / غضبا نفور (نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۲۹)
ادیب و شاعر عراقی «منیف احمد حمیدوش» شهید سلیمانی را عاشق بزرگی‌ها می‌داند او که چون شمشیری بران در دنیای ظلمانی درخشان است:

عشقت بروحك كل المعالي فكتت السيف والدنيا ظلام

(نوری کیدقانی و کارآمد، ۱۴۰۰، ش: ۲۵)

شاعر سوری «قحطان بیرقدار» شهید سلیمانی را راهبر فداکاری می‌داند که از ملکوت فریاد ذلت‌ناپذیری سر می‌دهد و ما را به یاد سخن سرور شهیدان می‌اندازد که فرمود: «هیئات منا الذلة»:

هوالحادی هو الفادی ینادی من الملكوت أنا لا نُضام

(مجله الثقافة الإسلامية، ۲۰۲۰: ۱۶۰)

نتیجه

پس از شهادت سردار سلیمانی، قصاید عربی متعددی توسط شاعران از کشورهای مختلف از جمله عراق، سوریه، لبنان، قطر، ایران، تونس و ... در سوگ و ستایش ایشان سروده شد. در این سوگ‌سروده‌هایی عشق و علاقه به سردار موج می‌زند که با تشبیه سردار به شخصیت‌هایی چون سلمان فارسی و سلیمان نبی (ع) این شور و اشتیاق اوج می‌یابد. این اشعار سرشار از مضامین اخلاقی و حماسی و بن‌مایه‌های مقاومت است و در آن‌ها به شهادت‌طلبی، شجاعت شهید و زبونی دشمن اشاره شده است. البته از نظر شاعران کیفیت شهادت هم برای شهید مهم است لذا سردار در میان شهیدان جایگاهی بس والا دارد. یکی از ویژگی‌های سردار که در این مرثیه‌ها به آن اشاره شده است وطن‌دوستی ایشان است. گرچه سردار ایرانی بود اما تمام جهان اسلام را موطن خویش می‌دانست و در دفاع از سرزمین‌های گرفتار دشمن نهایت کوشش خویش را ارزانی می‌داشت لذا شاعران عرب این نگاه جهان‌شمول و دغدغه‌مندی در دفاع از حریم اسلام را بسیار ستوده‌اند. در این مرثیه‌ها فقط غم و اندوه حاکم نیست بلکه شاعر روحیه امید را در این نوع شعر تزریق می‌کند و شهادت سردار نقطه تالو امید و نابودی دشمن انگاشته می‌شود همچنانکه با لحنی حماسی، دشمن تحقیر و تهدید می‌شود. شاعران سردار شهید را مایه عزت و اقتدار جهان اسلام می‌دانند که با خون خویش دست دشمنانی چون داعش و امریکا را از سرمنطقه دور کرد.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه حکیم سبزواری به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامیة.

ابن منظور، محمدبن مكرم (بی‌تا). لسان العرب. چاپ سوم. بیروت: دارصادر.

بیگزاده، خلیل و الماسی، عطا (۱۳۹۵). جلوه‌های مقاومت در شعر یثالله بهزاد کرمانشاهی. *ادبیات پایداری*، ۸(۱۵)، ۱۰۴-۱۲۵.

توکل محمدی، محمودرضا و جعفری پنجی، محمد (۱۳۹۵). مضامین پایداری در اشعار قیصر امین‌پور و توفیق امین زیاد. *پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل*، ۲(۶)، ۵۳-۷۲.

خادمی کولایی، مهدی (۱۳۸۵). پژوهشی در زندگی و شعر سلمان هراتی (آشنای شالیزار). چاپ اول، ساری: شلفین.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). خلاصه سیره نبوی، تهران: دریا.

روان‌شاد، علی‌اصغر؛ غلامحسین کهوری، محسن و نظری تریزی، امین (۱۳۹۴). بازتاب مقاومت در شعر ابراهیم مقادمه. *ادبیات پایداری*، ۷(۱۳)، ۶۷-۹۲.


عرفانی‌فر، علی (۱۳۹۹). نقش راهبردی حاج قاسم سلیمانی در شکل‌گیری محور مقاومت و مدیریت توحیدی آن. *مدرسه حکمرانی متعالی شهید بهشتی*، ۱، ۶۳-۷۹.

- کاکائی، عبدالجبار (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان. تهران: انتشارات پالیزان.
- کاوه، ناصر (۱۳۹۸). من قاسم سلیمانی هستم، سرباز ولایت. تهران: نوآوران سینا.
- کریمی، سید عبدالمجید (۱۳۹۹). رفیق خوشبخت ما. مشهد: انتشارات زائر رضوی.
- مجله الثقافة الإسلامية، العدد ۱۳۲، شباط ۲۰۲۰م.
- محسنی‌نیا، ناصر و پوریزدان‌پناه کرمانی، آرزو (۱۳۸۸). مرثیه‌سرایی در ادب فارسی و عربی با تکیه بر مقایسه مرثیه ابوالحسن تهمی و مرثیه خاقانی شروانی. *ادبیات تطبیقی*، ۱۷۵-۱۹۳، (۸)۲.
- محمّد، محمّد (۲۰۰۳). الواقع العربي و تحديات المرحلة الراهنة. بیروت: دارالشرق الثقافة.
- محمّدیان، عباس و رجبی، مسلم (۱۳۹۵). جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار حمید سبزواری. *ادبیات پایداری*، ۱۹۵-۲۱۵، (۱۴)۸.
- مسبوق، سید مهدی و اسدی، سارا (۱۳۹۵). مؤلفه‌های پایداری در سروده‌های ابن منیر طرابلسی. *ادبیات پایداری*، ۲۳۷-۲۵۹، (۱۴)۸.
- نوری کیدقانی، سید مهدی و کارآمد، راضیه (۱۴۰۰). سردار سلیمانی در شعر معاصر عربی. سبزوار: خمسة النجباء.

تحليل موضوعات المقاومة في المراثي العربية للشهيد سلجاني

سيد محمد نوري كينقاني*

راضيه كارآمد**

معلومات المادة	خلاصة
نوع المقال: مقال بحثي	المراثية هي قصيدة غنائية مكتوبة لشخص عزيز ضائع. إن المراثيات المكتوبة عن الشهداء ومجاهدي الطريق لها قيمة مضاعفة لأن دور المقاتلين في المقاومة ورد عدوان الأعداء مهم جداً للدول المعنية بهذه القضايا. يجلب هذا المقال جوهر المقاومة في المراثي العربية للشهيد سلجاني تحليلاً وصفاً بعد استشهاد سردار سلجاني، كتبت العديد من المراثيات العربية لشعراء من مختلف البلدان في حداده وإحياء ذكراه وتشير نتائج البحث إلى أن القصائد العربية المكتوبة في رثاء وتمجيد سردار سلجاني مليئة بعناصر المقاومة وممزوجة بالعاطفة والمحمية ومن أهم هذه المكونات يمكن أن نذكر حب أبطال الشبان، ومكانة الشهادة الرفيعة، والوطنية، والأمل في المستقبل، واحتقار الأعداء، والشرف والكرامة واعتبر الشعراء الشهيد سلجاني نموذجاً للأبطال الوطنيين والدينيين، وأثنوا على صفاته الإنسانية النبيلة، وأشادوا بدوره الذي لا يعوض في نجاح محور المقاومة.
الكلمات الرئيسية:	سردار سلجاني، مرفأة، الشعر العربي، أدب المقاومة.
تاريخ الاستلام: ١٠ جمادى الثانية ١٤٤٥	
تاريخ المراجعة: ١٢ رجب ١٤٤٥	
تاريخ القبول: ٨ شوال ١٤٤٥	
تاريخ النشر على الإنترنت: ٦ ربيع الأول ١٤٤٦	
	

إقتباس: نوري كينقاني، سيد محمد و كارآمد، راضيه (١٤٠٣). تحليل موضوعات المقاومة في المراثي العربية للشهيد سلجاني. مجلة مدرسة الحاج قاسم سلجاني التعليمية، (١)، ٧٨-٦٩. الناشر: جامعة الشهيد باهنر كرمان

DOI: 10.22103/mhq.2024.22716.1008

©The Author(s)